



اصالت سنجی

مقاله مطالعه موردی

خلاصه انگلیسی این مقاله با عنوان:

Analysis of the application of culture-led regeneration approach in deteriorate area and participatory needs assessment to prioritize strategies using the integrated SWOT-QSPM model (Case study: Kushk Abbas Ali neighborhood in Shiraz)

در همین شماره به چاپ رسیده است.

شهرسازی ایران، دوره ۵، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صفحه ۱۲۸-۱۴۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۵، تاریخ بررسی اولیه: ۱۴۰۰/۵/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵، تاریخ

انتشار: ۱۴۰۱/۱/۱۵

## تحلیل کاربست رویکرد باز آفرینی فرهنگ مبنا در بافت های فرسوده و نیازسنجی مشارکتی جهت اولویت بندی راهبردها با استفاده از الگوی تلفیقی SWOT-QSPM (مطالعه موردی: محله کوشک عباسعلی - شیراز)

دلبر اژدری\*: کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران  
عماد کتاچچی: کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده: در سالهای اخیر، توجه به منابع فرهنگی به عنوان موتور محرک بازآفرینی شهری به طور فزاینده ای به یک موضوع اصلی در مطالعات شهری تبدیل شده است؛ بطوریکه محققان زیادی به مشارکت راهبردهای فرهنگی در بازآفرینی شهری تأکید کرده اند؛ ولی هنوز به تجربه موفقیت آمیزی از استفاده منابع فرهنگی جوامع محلی در پروژه های بازآفرینی شهری دست نیافته اند؛ در حقیقت راز موفقیت استفاده از منابع فرهنگی در بازآفرینی شهری در این بسیج جامعه و آموزش های حمایتی نهفته است، نه یک رویکرد فرهنگی توسط متخصصین و مدیریت شهری. در این تحقیق به تحلیل کاربست رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا در محله فرسوده کوشک عباسعلی و نیازسنجی مشارکتی ساکنین پرداخته می شود. این تحقیق از نظر هدف توصیفی-تحلیلی و از لحاظ نتایج کاربردی است. گردآوری اطلاعات از طریق بررسی منابع کتابخانه ای/اسنادی؛ روش میدانی و پرسشنامه کسب شده است. حجم نمونه بر طبق فرمول کوکران ۱۰۵ خانوار تعیین شده است. روش تحلیل براساس الگوی تلفیقی SWOT-QSPM می باشد؛ به این صورت که پس از سنجش وضعیت محله، راهبردهای مورد نظر در ماتریس SWOT تدوین شده و راهبردهای تدوین شده با استفاده از مدل QSPM و ضریب نرمال شده هریک از عوامل داخلی و خارجی براساس امتیازدهی و نیازسنجی ساکنین محله اولویت بندی شدند. با توجه به امتیازات راهبردها، راهبردهای بعد عملکردی در اولویت بالاتری قرار دارند. بنابراین طبق نتایج اولویت بندی راهبردها در این مطالعه می توان اذهان داشت؛ رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا در محله کوشک عباسعلی، از طریق بسترسازی، مقدمه سازی و استفاده مستمر از سلیقه و فرهنگ ساکنین و پیش بینی پروژه های پیشگام فرهنگی به موفقیت می انجامد. همچنین کاربرد مدل های تلفیقی در نیازسنجی مشارکتی و تشخیص درست و به موقع نیازهای محلی، افزون بر تصمیم سازی مناسب می تواند تسهیلگر اجرای طرح های توسعه محلی باشد.

واژگان کلیدی: بازآفرینی فرهنگ مبنا، تکنیک SWOT، نیازسنجی مشارکتی، اولویت بندی، مدل QSPM، محله کوشک عباسعلی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱- مقدمه

با مشارکت و همکاری ذینفعان می باشد (Balaban&Korkmaz: 2020:2). بعلاوه در دستورالعمل دهه های اخیر توسعه پایدارکه به رابطه بین پایداری محدوده های شهری و میراث فرهنگی آنها تاکید دارد، و از جمله اهداف آن، ایجاد شهرها و سکونتگاه های انسانی پایدار با استفاده از نقاط قوت آن ها جهت ایجاد امنیت و حفاظت میراث طبیعی و فرهنگی جهان بیان شده است؛ بازآفرینی فرهنگ مینا به منصف ظهور رسید (Guzman et al., 2017: 192).

اصل مهم در تحقق پذیری رهیافت بازآفرینی فرهنگ مینا در بافت فرسوده، استفاده از علوم مرتبط و پیوند درست آن ها با یکدیگر است. این رهیافت با تاکید بر استفاده از ظرفیت های فرهنگی و سرمایه اجتماعی برای مشارکت مردمی، فرهنگ را به عنوان یک عامل رشد اقتصادی به کار می گیرد. به عبارت دیگر، می توان گفت: معنای اصلی این نوع بازآفرینی، دخالت دادن فرهنگ و فعالیت های فرهنگی در بازار بخش خصوصی به منظور بازگرداندن زندگی به بخش های داخلی و فراموش شده شهر است (Izadi et al., 2017: 169). در سالهای اخیر، توجه به منابع فرهنگی به عنوان موتور محرک بازآفرینی شهری به طور فزاینده ای به یک موضوع اصلی در مطالعات شهری تبدیل شده است؛ بطوریکه محققان زیادی به مشارکت راهبردهای فرهنگی در بازآفرینی شهری تأکید کرده اند؛ ولی هنوز به تجربه موفقیت آمیزی از استفاده منابع فرهنگی جوامع محلی در پروژه های بازآفرینی شهری دست نیافته اند. در حقیقت راز موفقیت استفاده از منابع فرهنگی در بازآفرینی شهری در بسیج جامعه و آموزش های حمایتی نهفته است، نه یک رویکرد فرهنگی توسط متخصصین و مدیریت شهری (Lin& Hsing, 2009:1317). در این رویکردها، فرهنگ غالباً در چارچوب خط مشی سیاستگذاری ها قرار گرفته است که فقط مکمل آرمانهای سیاست اجتماعی یا شهری است، اما این

بافت مرکزی برخی از شهرها، شامل محدوده های تاریخی و فرسوده ای بوده که در بسیاری مواقع نسبت به بافت های پیرامونی خود، دچار کاهش کارایی شده و امکان به روز شدن بافت و تغییر خود به خودی بافت در آنها از بین رفته است؛ بنابراین توجه به این بافت های شهری برای ارتقای بهره وری شهری، کاهش خسارات ناشی از وقوع احتمالی زلزله، تحقق عدالت اجتماعی و رفع محرومیت های ساکنین آنها و استفاده از پتانسیل های شهری امری ضروری است. در پاسخ به این امر، امروزه بخش بزرگی از ادبیات علمی برنامه ریزی شهری پیرامون محور مداخله در بافت های مرکزی شهرها است (Andalib, 2013). سیر تکاملی مداخله در بافت های موجود شهرها از بازسازی های پس از جنگ جهانی دوم آغاز می شود. پس از آن در دوره نوسازی، به دو مقوله توسعه مجدد و تجدید حیات شهری توجه شده و در انتهای این دوره، رویکرد تعاملی نوسازی شکل می گیرد. سپس بازآفرینی شهری در دوره اول خود با دیدگاه غالباً اقتصادی و از طریق طرح های بزرگ مقیاس برای توسعه های مجدد پرهزینه مطرح می شود. این رویکرد در دوره دوم به سوی شکل جامع تری از سیاست گذاری و اعمال تمرکز بر روی راه حل های یکپارچه و ارتقای کیفیت زندگی حرکت می کند (Azizi& Bahra, 2018:6). توسعه پایدار و تأثیر آن بر تکامل دستور کار بازآفرینی شهری یا همان مفهوم بازآفرینی شهری پایدار به دلیل شکست پروژه های برجسته بازآفرینی شهری، در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به منصف ظهور رسید. این رویکرد به عنوان یک سیاست شهری، فرصت و ابزاری مهم برای دستیابی به توسعه پایدار با ایجاد تعادل بین حفاظت طبیعی و توسعه شهری قرار گرفت. به عبارت دیگر بازآفرینی شهری پایدار اقدامی یکپارچه و جامع است، که با هدف یافتن راه حل های طولانی مدت برای مشکلات فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی

رویکرد منجر به مفهوم ناقصی از فرهنگ شده است (Lazarevi, 2016:2).

در این تحقیق پس از بررسی مولفه های رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا، به شناخت پتانسیل های محله فرسوده کوشک عباسعلی با استفاده از مطالعات پیمایشی (پرسشنامه و برداشت میدانی) پرداخته شده است، سپس تحلیل داده ها در ماتریس سوات جمع بندی شده و راهبردهای مورد نظر در ماتریس SWOT تدوین شدند و در نهایت راهبرد های تدوین شده با استفاده از ضریب نرمال شده هریک از عوامل داخلی و خارجی براساس امتیازدهی ساکنین محله و مدل QSPM و اولویت بندی شدند. ضرورت و اهمیت این تحقیق از آنجا ناشی می شود که محله کوشک عباسعلی با توجه به قدمت و موقعیت جغرافیایی مناسب که در بافت مرکزی شیراز و در جوار بافت تاریخی قرار دارد، می تواند نقش خود را در ارتقا زمینه های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی ایفا نماید. همچنین نظرات ساکنین محله به عنوان افراد تاثیر گذار در موفقیت اجرای طرح های رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا، در فرآیند تحقیق و اولویت بندی راهبردها در نظر گرفته شده است. بنابراین هدف اصلی تحقیق، بررسی مزیت ها و محدودیت های توسعه شاخص های بازآفرینی فرهنگ مبنا در محله کوشک عباسعلی با استفاده از تکنیک SWOT و تعیین اولویت راهبردهای تدوین شده با اعمال ضریب نرمال شده هریک از عوامل داخلی و خارجی براساس امتیازدهی ساکنین با استفاده از ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی (QSPM) می باشد. بنابراین سوال اصلی تحقیق این است که کاربست رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا در محله کوشک عباسعلی با توجه به چه راهبردهایی و تحت چه فرآیندی به موفقیت می انجامد؟

## ۲- پیشینه پژوهش

ضرابی و محبوب فر<sup>۱</sup> (۲۰۱۴)، در تحقیق «کاربرد مدل SWOT-QSPM در تدوین استراتژی توسعه گردشگری شهرکاشان»؛ به تبیین اولویت های راهبردی در توسعه گردشگری شهر کاشان با استفاده از تحلیل SWOT و مدل QSPM پرداخته اند. ولی امتیازدهی و اولویت بندی ها صرفا براساس نظرات محققین انجام شده است.

لطفی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷)، در تحقیق «تدوین چارچوب مفهومی کاربست اصول و آموزه های بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا (مورد پژوهی: بافت تاریخی شیراز)»؛ مطالعه ای تفسیری - تحلیلی با هدف برقراری انسجام و پیوند میان اصول و آموزه های بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا و راهبردها و سیاست های قابل اتخاذ در بافت های تاریخی انجام داده اند. این تحلیل منجر به ارائه ی الگوی راهبردی چندلایه در تعریف شیوه ها و سیاست های اقدام در بافت تاریخی گردیده است.

پژوهان و پور مقدم<sup>۳</sup> (۲۰۱۸)، در تحقیق «برنامه ریزی راهبردی گردشگری شهری با رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا در بافت های تاریخی (نمونه موردی: بافت قدیم شهر رشت)»؛ با استفاده از تکنیک SWOT و پرسشنامه و دریافت نظرات متخصصین به طبقه بندی و تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته اند، سپس راهبردهای دارای اولویت به همراه سیاست های اجرایی و برنامه اقدامات به منظور فعالسازی ظرفیت های بافت برای توسعه گردشگری فرهنگی در عین حفاظت فعال از هویت و میراث آن، تدوین شده است.

<sup>۱</sup> - Pazhoohan & Poormoghadam

<sup>۱</sup> - Zarabi & Mahboubfar

<sup>۲</sup> - Lotfi, et al

مرادی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، در تحقیق «واکاوی اصول بازآفرینی شهری فرهنگ- مینا با رویکرد ارتقای رقابت پذیری»؛ پس از گردآوری اطلاعات و مطالعات زمینه یابی و مصاحبه از متخصصین به این نتیجه رسیده اند که: بازآفرینی فرهنگ- مینا با بهره گیری از فرهنگ به عنوان موتور محرکه توسعه، سعی دارد تا از طریق چهار مؤلفه صنایع خلاق و فرهنگی، آفرینش مکان و خلق محلات فرهنگی، گردشگری فرهنگی و رویدادمرداری و برندسازی شهری، شهرها را برای حضور در عرصه های رقابت پذیری آماده کرده و مزیت رقابتی آنها را در مقایسه با شهرهای رقیب ارتقا بخشد. براساس یافته ها، این امر از طریق پایبندی به اصول هفتگانه از جمله سرمایه محوری و زاینده گی فرهنگ، شکوفایی صنایع خلاق و فرهنگی، شبکه سازی و خلق جاذبه های شهری، پایداری فرآیند بازآفرینی فرهنگ- مینا، تبلیغات و روابط بین الملل، برندسازی رقابتی مبتنی بر فرهنگ و آفرینش مکان های رقابتی و سودآور ممکن می شود.

چیو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹)، در تحقیق «استراتژی بازآفرینی فرهنگ مینا: یک ارزیابی از عملکرد ایستگاه های بازآفرینی در شهر تایپه»؛ به ارزیابی عملکرد ایستگاه های بازآفرینی (URS) با استفاده از مدل دلفی فازی و ANP پرداخته است. URS نوعی استراتژی بازآفرینی فرهنگ مینا است. هدف آنها تسهیل بازسازی فضاهای شهری، صنایع و فعالیت های اجتماعی است. این ایستگاه ها شامل فعالیت هایی از قبیل تالارها و گالری های هنری، رستوران ها با نمایش زندگی و غذاهای بومی، مرکز

اطلاعات اجتماعی و تالار های گفت و گو می باشند. این تحلیل شامل شاخص هایی از قبیل موقعیت قرارگیری، میزان تاثیر در بازآفرینی، میزان ارتباطات و مشارکت اجتماعی و میزان نوآوری و خلاقیت می باشد. و پیشنهاد می کند که توسعه استراتژی های مدیریت URS باید ارتقا یابد. ارتقا خودآگاهی فرهنگی می تواند باعث عزت نفس محله شود. معنای واقعی بازآفرینی فرهنگ مینا در خود استراتژی های بازآفرینی نیست، بلکه بیشتر در کسب مقبولیت و اعتماد جامعه می باشد. لی<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، در تحقیق «کارگاه ارتباطی و مشارکت مردم، یک روش جدید در بازآفرینی شهری»، به این نتیجه رسیده اند که با وجود اینکه مشارکت عمومی به طور گسترده ای نقش بسیار مهمی در تسهیل بازآفرینی شهری داشته است؛ با این حال مردم غالباً فاقد کانال مشارکت در اقدامات بازآفرینی شهری در کشورهای در حال توسعه هستند، این مطالعه یک مدل مشارکت جامعه و یک جعبه ابزار کارگاه مشترک را توسعه می دهد و اینکه چگونه کارگاه مشترک با موفقیت در دستیابی به اجماع انجام می شود. در این مدل نقش های بازی شده توسط دولت و برنامه ریزان در حال تغییر و تبدیل شدن به کاتالیزورهای مشارکت جامعه به عنوان ترکیبی از روش های بالا به پایین و پایین به بالا می باشد. کارگاه الگوی مفیدی برای مشارکت جامعه در بازآفرینی شهری است، که موجب ارتقا همکاری می شود.

### ۳- مبانی نظری

#### ۳-۱- بازآفرینی شهری

کاربرد بازآفرینی در زمینه شهری، مبتنی بر معنای لغوی آن در علوم زیست شناسی و به معنی تولد دوباره و احیای بافت آسیب دیده است. در حوزه مرمت

<sup>۱</sup> - Li

<sup>۱</sup> - Moradi, et al

<sup>۲</sup> - Chiu

2013:108)

۳-۲- بازآفرینی فرهنگ مینا<sup>۴</sup>

یکی از اصلی ترین رویکرد های بازآفرینی، رویکرد صنایع فرهنگی است؛ که بر اهمیت فرهنگ و صنایع خلاق به عنوان عامل اصلی حرکت موتور بازآفرینی تاکید می کند. بازآفرینی فرهنگ مینا به عنوان «به کارگیری فعالیت های فرهنگی به عنوان ابزاری برای بازآفریدن محدوده های زوال یافته و جوامع محرومی که ساکن آن محدوده ها هستند» تعریف می شود. و بر تاثیر اقتصادی و اجتماعی فرهنگ تاکید می نماید (Lotfi et al., 2017: 231). بازآفرینی شهری فرهنگ مینا؛ فعالیت ها و رویداد های فرهنگی را به مثابه عامل تسهیل گر و نیرو محرکه بازآفرینی شهری قرار می دهد. در این رویکرد رویداد مداری محوریت بازآفرینی را تشکیل می دهد؛ و رویداد های فرهنگی از جنبه اقبال عمومی بسیاری برخوردارند. در جریان بازآفرینی فرهنگ مینا، معمولاً مجموعه ای از بناها به منظور استفاده های عمومی و اداری مورد طراحی یا استفاده دوباره قرار می گیرند؛ از فضاهای شهری استفاده های تازه ای صورت می گیرد. و رویداد ها و فعالیت های جدیدی که می تواند در آینده موجب شهرت و محبوبیت مکان ها شود، پیشنهاد می گردد (Lotfi, 2011: 51). مقامات شهری جهت متحد کردن ساکنین محلی و در نتیجه موفقیت پروژه های بازآفرینی فرهنگ مینا باید به همکاری همه ذینفعان و مشارکت بین بخشی در برنامه ریزی در طول همه مراحل پروژه؛ همکاری ذینفعان با بخش خصوصی و هدایت سرمایه گذاری های آن و درگیر شدن با صنایع خلاق محلی؛ در گیر کردن اعضای جامعه محلی به صورت مستقیم؛ تصدیق نقش آنها و ایجاد انگیزه در صورت عدم پاسخگویی؛ تسهیل همکاری با بازیگران محلی در بازآفرینی توجه نمایند (Neducin et al.,

و حفاظت شهری، ابتدا واژه بازآفرینی به عنوان معادلی برای واژه نوسازی به کار می رفت و خود واجد معنی تازه ای نبود، ولی به تدریج این واژه در مقابل تبعات منفی نوسازی شهری بار معنایی مثبتی پیدا کرد. از دهه ۹۰ میلادی به این سو، دگرگونی هایی در رویکرد بازآفرینی در ابعاد مختلف صورت پذیرفت که در همسویی با بحث های توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفت. همچنین براساس «بیانیه رتردام<sup>۱</sup>» در «منشور لایپزیگ<sup>۲</sup>» درباره شهرهای اروپایی پایدار، اعضای اتحادیه اروپا مدل ایده آل شهرهای اروپایی را بیان کرده و بر راهبردها و اصول مشترکی در ارتباط با توسعه شهری موافقت نمودند. در نتیجه مفهوم «مشارکت» با پیشنهادهایی براساس شراکت بخش های داوطلب، خصوصی و عمومی همراه شد. همچنین این بیانیه استقرار تعداد زیادی از شراکتهای خصوصی-عمومی<sup>۳</sup> را در برنامه های بازآفرینی شهری تشویق کرده است که یکی از مظاهر حرکت به سوی برنامه های مالی پایدار برای شهرها و توسعه یک مجموعه از سرمایه گذاری ها با مشارکت مسئولین محلی، سرمایه گذاران نهادی، بانک ها و پیمانکاران خصوصی و مانند آنها بوده است. در این رویکرد نوین، مفهوم اجتماع محلی و واحد همسایگی در مرکز توجه تحلیل ها قرار گرفته اند (Bahreini et al., 2014: 26). در حقیقت عملکرد رهیافت یکپارچه بازآفرینی شهری، توقف افت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، محیطی و خارج کردن بافت از چرخه ی تنزل است. این رویکرد بر اساس دو اصل اهمیت برابر مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و توانمندسازی گروه های ذینفع، برای شرکت در فرآیند تصمیم گیری، از طریق توسعه ی چشم انداز همگانی قرار دارد که دانش و تجربه های متخصصان مختلف شهری و نیازها و خواسته های اجتماعات محلّه ای را در هم می آمیزد (Movahed et al.,

<sup>۱</sup> - PublicPrivate Partnerships (PPPs)<sup>۲</sup> - Culture-led regeneration<sup>۱</sup> - Rotterdam Urban Acquis of 2004<sup>۲</sup> - Leipzig Charter(2006,2007)

مختلف توسعه اقتصادی نیازمند کارآفرینی کوچک و متوسط میساست. لذا کارآفرینی می تواند یک راهکار در نظریه های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت سازی در راستای توسعه پایدار باشد (Akbarpour & Azimi, 2018). از طرفی برخی از محققان رابطه فرهنگ و بازآفرینی را به سه دسته ذیل پیشنهاد می کنند:

بازآفرینی فرهنگ مبنا: طراحی و ساخت، احیای مجدد ساختمانهای عمومی یا تجاری؛ بازسازی فضاهای عمومی؛ پیاده سازی و برنامه هایی با هدف تغییر تصویر ذهنی. فرهنگ نیروی محرکه بازآفرینی.

بازآفرینی فرهنگی: در این مدل، فعالیت فرهنگی کاملاً به یک استراتژی یکپارچه در سایر حوزه های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی ادغام شده است.

فرهنگ و بازآفرینی: فعالیتهای فرهنگی بخشی از شاخص های پروژه های شهری نیستند بلکه فعالیت های سازمان های فرهنگی مستقل جهت حمایت از تغییرات مثبت شهری رویدادهای فرهنگی سازماندهی می کنند. فرهنگ در برنامه های بازآفرینی شهری از طریق زیرساخت های فرهنگی (موزه ها، موضوعی و پارک های میراث و غیره به کار گرفته شده است - Sroda- Murawska, 2020:2).

بطور کلی سه مولفه اصلی: فرم (ارتباط بین فضاها و ویژگی های کالبدی)؛ معنا (حس مکان، تاریخی و فرهنگی)؛ فعالیت (اقتصادی فرهنگی و اجتماعی) را می توان برای بازآفرینی فرهنگ مبنا مورد توجه قرار داد. مولفه هایی که هر یک، نشان از وجهی از نیل به مصداق مکان در دل جریان مرمت شهری دارند (Mofidi & Ghasemsharifi, 2019:277).

در این چارچوب می توان به مجموعه ای از شاخص ها دست یافت و از آن به منظور توسعه بازآفرینی

2019:81). بنابراین فرآیند اجرا با همکاری ساکنین در بازآفرینی فرهنگ مبنا در مراحل زیر جمع بندی می شود: مرحله اول: تشخیص افول بافت؛ مرحله دوم: درک دلایل انحطاط و ویژگی های محلی؛ مرحله سوم: ایجاد یک پایگاه داده و ایجاد جهت؛ مرحله چهارم: استفاده از تکنیک های مختلف مناسب برای مرحله سوم؛ و مرحله پنجم: نظارت و بازخورد (Hwang, 2014: 67). بطور کلی ادبیات بازآفرینی فرهنگ مبنا دارای سه استراتژی است: اولین استراتژی بر فرآیندهای فرهنگی اجتماعی متمرکز است و هدف استفاده از فرهنگ برای احیای دوباره زندگی اجتماعی عمومی یک شهر و ایجاد احساس انسجام، غرور، و هویت مشترک در میان شهروندان آن است. به عنوان مثال تحریک تنوع فرهنگی و مردم سالاری فرهنگی با گشودن عرصه های فرهنگی شهر و امکان پذیر کردن دسترسی برای همه شهروندان، تقویت اجتماعی و انسجام و مشارکت در زندگی شهری. استراتژی دوم تقویت شهر با تمرکز بر جذابیت یک مکان است. به طور کلی فرهنگ به عنوان واسطه ای برای جذب گردشگر، سرمایه گذاران، کارآفرینان و نیروهای کار آموزش دیده مورد تأکید قرار می گیرد. استراتژی سوم بر کارآفرینی متمرکز است و تولید محصولات فرهنگی و تجاری. تصویر جدیدی از ارزش آفرینی، که خود پتانسیل رشد و اشتغال را دارد. در حقیقت با تحریک رویکرد کارآفرینی، نوعی تولید فرهنگی شکل می گیرد، و سپس به تقویت دارایی های رقابتی محلی ختم می شود. این استراتژی توجه بیشتر بر کارآفرینی، توسعه صنعتی و اشتغال دارد و کمتر در نوع مکانی مکان ها و اشکال فرهنگی اجتماعی زندگی شهری تأکید دارد (Lysgard, 2016:2-3). توسعه و رشد کارآفرینی در بافت های فرسوده، یکی از راه های بهبود مشکلات اقتصادی و پیشگیری از تسریع روند زوال این بافت ها می باشد. بدین منظور برای رسیدن به توسعه محلی در کارآفرینی، زیر ساختی مناسب ضروری است. بنابراین حفظ جمعیت و رونق بخشیدن به رشد آن به منظور رسیدن به ابعاد

های فعال؛ وسعت و تنوع مراکز فرهنگی در محله و... می باشد. مولفه معنا و مولفه فعالیت نیز شامل شاخص های مرتبط بوده که در جدول شماره ۱ مشخص شده است.

فرهنگ مبنا بهره جست. این شاخص ها در جدول شماره ۱ جمع بندی شده است. این جدول شامل سه بخش مولفه فرم که شامل شاخص هایی از قبیل پیوند کالبدی میان عناصر قدیمی و جدید در محله؛ یکپارچگی و ارتباط واحد های همسایگی؛ نوع جداره

جدول ۱. مولفه ها و شاخص های بازآفرینی فرهنگ مبنا (نگارندگان، ۱۴۰۰)

شاخص ها		شاخص ها	
نگرش و ادراک ساکنین از محل سکونت خویش عزت نفس ساکنین ظرفیت تحول پذیری و دگرگونی اعتبار یک مکان و ساکنین آن برخورداری از حس تاریخ و پیشرفت سرزندگی و اشتیاق سطح امنیت اجتماعی هویت منطقه و تصویر ذهنی حس رقابت تمایل و انگیزه به مشارکت کیفیت زندگی شناخت پذیری حس فداکاری حس تعلق	مولفه معنا	پیوند کالبدی میان عناصر قدیمی و جدید در محله یکپارچگی و ارتباط واحد های همسایگی جداره های فعال وسعت و تنوع مراکز فرهنگی در محله استفاده مجدد از ابنیه خالی حفاظت از میراث فرهنگی مکان های عمومی خلاق میزان نفوذ پذیری و دسترسی خیابان ها میزان پایداری ابنیه مورفولوژی قطعات و بلوک ها تنوع و انطباق پذیری ساختمان ها شبکه سازی و خلق جاذبه های محلی عناصر شاخص فرهنگی	مولفه فرم
		شاخص ها	
		توسعه کاربری های مختلط مشارکت بخش خصوصی و عمومی و گروه ها و انجمن های داوطلبانه بهبود و افزایش سرمایه اجتماعی افزایش فرصت های عرضه شده به جمعیت محلی برای افزایش مشارکت در فعالیت های اجتماعی دخالت مستقیم شهروندان در ایجاد رویداد ها و فعالیت های فرهنگی آموزش هنر و دسترسی به محصولات فرهنگی محله پروژه های فرهنگی پیشگام در دسترس بودن فضاهای کاری کم هزینه برای تولید کنندگان فرهنگی برگزاری رویداد های نمایشی و دوره ای حضور بازارهای خیابانی و نوع تخصص آن ها • در دسترس بودن فضاهایی مانند باغ ها و میداین جهت فعالیت های فرهنگی در دسترس بودن واحد های سرمایه گذاری در درجات مختلفی از هزینه	مولفه فعالیت



افزایش مهارت ساکنان با استفاده از دوره های آموزشی تقویت خوشه ها و شبکه اجتماعی تقویت نیروی کار در مهارت های مختلف از گروه های اجتماعی گوناگون دخالت مستقیم شهروندان در ایجاد رویدادها و فعالیت های فرهنگی افزایش فرصت های عرضه شده به جمعیت محلی جهت مشارکت. به کار گیری خرد ساکنین محله جهت بازآفرینی محله برگزاری کارگاه های مشارکتی و ارتباطی بین ذینفعان تصمیم سازی در برنامه ریزی جهت بهره وری اقتصادی	
--	--

#### ۴- روش تحقیق

روش تحقیق از نظر هدف توصیفی-تحلیلی و از لحاظ نتایج کاربردی است. در این تحقیق به بررسی و تحلیل رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا در محله فرسوده کوشک عباسعلی پرداخته شده است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه ای/اسنادی، میدانی و تهیه پرسشنامه با حجم نمونه ۱۰۵ خانوار براساس فرمول کوکران در قالب طیف لیکرت می باشد. با توجه به اهمیت مشارکت ساکنین محله و استفاده از نظرات ساکنین در بازآفرینی، پرسشنامه در دو مرحله و به صورت تصادفی انجام شده است. پرسشنامه اولیه جهت جمع آوری اطلاعات شناخت و سنجش وضعیت و پرسشنامه ثانویه بعد از تعیین نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید تهیه شده است. در حقیقت پرسشنامه ثانویه جهت تعیین ضریب اهمیت (ضریب نرمال شده) عوامل خارجی و داخلی با توجه به نظر ساکنین و اعمال نظرات آن ها در اولویت بندی راهبردها کسب شده است. داده های جمع آوری شده با استفاده از ماتریس سوات مورد تحلیل قرار گرفته است، سپس راهبردهای آن تنظیم و با استفاده از برنامه ریزی راهبردی کمی (QSPM) اولویت بندی شده است.

#### ۴-۱- تکنیک SWOT

یکی از مناسب ترین فنون برنامه ریزی و تجزیه و تحلیل ماتریس SWOT است که امروزه به عنوان ابزاری رایج برای تحلیل عملکردها و وضعیت شکاف، مورد استفاده طراحان و ارزیابان استراتژی ها قرار می گیرد. تکنیک یا ماتریس سوات، ابزاری برای شناخت تهدیدها و فرصت های موجود در محیط خارجی یک سیستم و بازشناسی ضعف ها و قوت های داخلی آن به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبرد مناسب برای هدایت و کنترل آن است. در واقع این استراتژی بهترین استراتژی برای مدیریت سازمان ها ارایه می دهد (Tahani et al., 2019:57). این روش شامل استخراج نقاط قوت، ضعف و فرصت و تهدید و ارزیابی آن با استفاده از چارچوب ارزیابی عوامل داخلی (IFE)<sup>۱</sup>، چارچوب ارزیابی عوامل خارجی (EFE) و چارچوب داخلی خارجی (IE) و سپس تشکیل ماتریس سوات جهت تدوین راهبردها در گام بعد می باشد. ماتریس سوات امکان تدوین چهار نوع راهبرد متفاوت را فراهم می آورد. البته در جریان عمل، برخی از راهبردها با یکدیگر هم پوشانی داشته، یا بطور همزمان هماهنگ با یکدیگر به اجرا در می آیند. در واقع، بر حسب وضعیت سیستم، چهار دسته راهبرد را که از نظر درجه کنشگری متفاوت هستند، می توان تدوین کرد، که شامل راهبردهای تهاجمی (SO)، راهبردهای رقابتی (ST)،

<sup>۱</sup> - Internal Factor Evaluation (IFE) matrix

$$\sum Si F_i = R_{ij} \text{ (رابطه ۱)}$$

$$\frac{R_{ij}}{\sum R_{ij}} = Y_{ij} \text{ (رابطه ۲)}$$

$$Y_{ij} = \text{امتیاز نهایی عامل } i \text{ از گروه } j$$

$$F_i = \text{فراوانی انتخاب‌ها}$$

$$R_{ij} = \text{امتیاز عامل } i \text{ در گروه } j$$

$$Si = \text{امتیاز پنج بندی لیکرت}$$

۲- برای تعیین جذابیت هر راهبرد در یک مجموعه راهبردها، بنا به اهمیت آن در تدوین هر راهبرد، امتیازی از ۱ تا ۴ داده می‌شود.

۳- برای بدست آوردن جمع امتیاز جذابیت، وزن های مرحله اول را در امتیاز جذابیت مرحله دوم ضرب می‌کنیم؛ به این ترتیب، مجموع امتیاز جذابیت هر یک از عوامل هر راهبرد بدست می‌آید. جمع امتیاز های جذابیت نشان دهنده جذابیت هر یک از عوامل در یک مجموعه از راهبردها است.

از جمع امتیازهای جذابیت هر ستون جدول برنامه ریزی کمی راهبردی، امتیاز جذابیت نهایی هر یک از راهبردها به دست می‌آید که بیانگر راهبردهایی است که از جذابیت بیشتری برخوردار هستند. امتیاز جذابیت بیشتر، نشان دهنده مطلوبیت راهبرد نسبت به سایر راهبردها است (Zarabi & Mahboubfar, 2014:53 & Fatahyan, 2016:75).

## ۵- یافته های پژوهش

### ۵-۱- محدودده مورد مطالعه

محل کوشک عباسعلی در منطقه ۲ شهرداری شهر شیراز قرار دارد. شهر شیراز در جنوب غربی کشور و در طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۲۹ دقیقه و در عرض ۲۹ درجه و ۳۳ دقیقه واقع شده است. و ارتفاع متوسط

راهبردهای محافظه کارانه (WO) و راهبردهای تدافعی (WT) می باشد (Zarabi & Mahboubfar, 2014).

## ۴-۲- ماتریس برنامه ریزی راهبردی

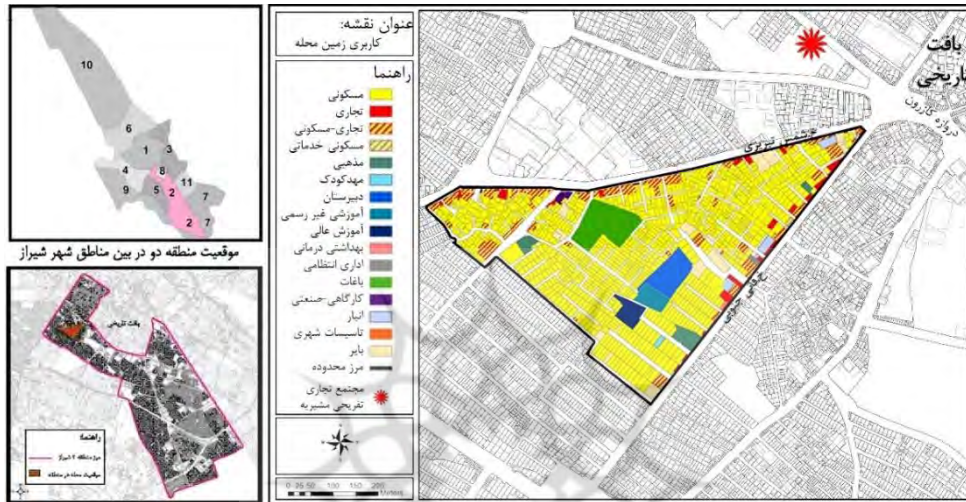
### کمی (QSPM)

یکی از تکنیک ها و ابزار های بسیار شایع در ارزیابی گزینه های راهبردی و مشخص نمودن جذابیت بین راهبردهایی که در مرحله تصمیم گیری مورد استفاده قرار می گیرد، ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی است. این تکنیک مشخص می نماید که کدام یک از گزینه های راهبردی انتخاب شده، امکان پذیر است و در واقع این راهبردها را اولویت بندی می نماید. برای تهیه جدول برنامه ریزی کمی راهبردی در برنامه ریزی ها، مراحل زیر طی می شود:

۱- جهت نیازسنجی مشارکتی؛ در مرحله ورود اطلاعات ابتدا امتیاز اولیه نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید جمع آوری می شود. این کار از طریق پرسشنامه و با استفاده از نظرات ساکنین در امتیاز دهی این عوامل، با امتیازبندی طیف لیکرت از ۱ تا ۵ جمع آوری می شود. امتیاز هر یک از عوامل داخلی و خارجی از طریق رابطه (۱) محاسبه و در نهایت ضریب نرمال شده (ضریب اهمیت) هر یک از این عوامل را از طریق رابطه (۲) محاسبه می کنیم. سپس عوامل داخلی و خارجی و ضریب نرمال شده (ضریب اهمیت) هر یک از آنها به جدول برنامه ریزی راهبردی منتقل شده، و کلیه راهبردهای تدوین شده در ردیف بالای ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی فهرست می شوند.

شهر نیز ناهمواری هایی با ارتفاع حدود ۱۶۰۰ متر وجود دارد. در تقسیمات خدماتی شهرداری شهر شیراز محدوده منطقه ۲ در بخش جنوبی شهر از شمال به بلوار کریم خان زند و بلوار مدرس، از ضلع شرق به پایگاه هوایی شهید دوران، از ضلع جنوب به بلوار ابوذر غفاری و ارتش و از ضلع غربی به خیابان انقلاب اسلامی محدود می گردد (Zarei et al., 2021: 335).

آن از سطح دریا ۱۵۵۰ متر است. این شهر بر روی جلگه وسیعی واقع شده است. و از شمال و غرب به ارتفاعات محدود شده و از سمت جنوب غرب و شمال شرقی نیز متصل به جلگه است. شیب عمومی در شهر شیراز از شمال غربی و شمال به سمت جنوب شرقی شهر است. ارتفاع شهر در قسمت های شمالی بین ۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰ متر از سطح دریاست که در قسمت های جنوب غربی



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه و کاربری زمین (محله کوشک عباسعلی) (نگارندگان، ۱۴۰۰) شود.

## ۵-۲-سنجش وضعیت با استفاده از

### تحلیل SWOT

در مرحله اول با استفاده از تحلیل سوات به استخراج نقاط قوت، ضعف داخلی و فرصت و تهدید خارجی، پرداخته شده است، که در جدول شماره ۲ نمایش داده شده است. این تحلیل با استفاده از

مشاهدات میدانی، اطلاعات اسنادی، مصاحبه و پرسشنامه جمع بندی شده است.

در گام بعد عوامل داخلی و خارجی تدوین شده توسط پرسشنامه با طیف لیکرت مورد نظرسنجی ساکنین محله قرار گرفته است. این اقدام جهت تعیین ضریب اهمیت یا ضریب نرمال شده نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید انجام شده است؛ بطوریکه با جمع آوری

محله کوشک عباسعلی در حوزه مرکزی شهر شیراز، در قسمت غربی منطقه ۲ شهرداری شیراز، در جوار بافت تاریخی واقع شده است، که از شمال به محله فخرآباد، از شرق به دروازه کارون و محله گلکوب، از غرب به میدان بهار و از جنوب با دسترسی محلی کوچه های ۱۰ قآنی جنوبی و کوچه ۱۷ تحویلی محدود می شود. (شکل شماره ۱) این محله با جمعیتی برابر ۶۰۳۴ نفر، بعد خانوار ۳،۴ و مساحتی برابر ۲۳۲۷۱۰ متر مربع تراکم ناخالص محدوده برابر ۲۵۹ نفر در هکتار می باشد. تراکم خالص مسکونی محدوده برابر با ۴۵۰ نفر در هکتار است، لذا با توجه به نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، تراکم ناخالص جمعیتی منطقه دو، برابر ۱۰۲ نفر در هکتار می باشد. بنابراین تراکم جمعیتی محدوده به نسبت منطقه بسیار بالا می باشد. این محله جز بافت فرسوده مصوب سازمان نوسازی شیراز محسوب می

بر تعیین ضریب نرمال در مرحله قبل، همچنین با تعیین رتبه بین ۱ تا ۴ برای هریک از عوامل داخلی و خارجی نمره نهایی (امتیاز وزنی) آن ها کسب می شود. در این تحقیق نمره نهایی عوامل داخلی ۲,۶۲۸ به معنی غلبه نقاط قوت بر نقاط ضعف و نمره نهایی عوامل خارجی ۳,۰۲۲ به معنی غلبه فرصت ها بر تهدیدها محاسبه شده است.

امتیاز هر یک، از طریق تعداد ۱۰۵ پرسشنامه از ساکنین در قالب امتیاز بندی طیف لیکرت تهیه شده است. سپس ضریب اهمیت از طریق رابطه ۲ بدست آورده شده است. جدول شماره ۳ نحوه محاسبه ضریب اهمیت (ضریب نرمال شده) عوامل داخلی را نمایش می دهد. سپس به ارزیابی عوامل داخلی (جدول شماره ۴)، ارزیابی عوامل خارجی (جدول شماره ۵)، و در نهایت ارزیابی عوامل داخلی-خارجی پرداخته می شود. علاوه

جدول ۲. ماتریس نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای محله کوشک عباسعلی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

تهدیدها	فرصت ها	نقاط ضعف	نقاط قوت	
<p>(T1) افزایش فرسودگی کالبدی و عدم استحکام ابنیه در مقابل سوانح طبیعی (برداشت میدانی/مطالعات اسنادی)</p> <p>(T2) وجود کاربری های فرامحلی درشت دانه متعدد از قبیل : دانشگاه و دبیرستان در محله (برداشت میدانی)</p> <p>(T3) عبور حجم قابل توجه ترافیک از دسترسی های محلی</p> <p>(T4) امکان شیوع بیماری بدلیل ادامه روند نامناسب دفع آب های سطحی و جمع آوری زباله ها (برداشت میدانی)</p> <p>(T5) نبود الگوی مناسب برای ساخت و ساز در جداره ها و گسترش روزافزون اعوجاج بصری (برداشت میدانی)</p> <p>(T6) نبود فضای باز مناسب جهت ساماندهی پاتوق های محلی (برداشت میدانی)</p> <p>(T7) آلودگی بصری به دلیل ادامه روند نامناسب ساخت و ساز (برداشت میدانی)</p>	<p>(O1) وجود زمینه افزایش تراکم بدلیل آشنایی مردم با فرهنگ آپارتمان نشینی و پیش بینی در طرح های فرادست.</p> <p>(برداشت میدانی/مطالعات اسنادی)</p> <p>(O2) قرارگیری کاربری آموزشی و زراعی در جوار هم و امکان ایجاد مرکز محله (برداشت میدانی)</p> <p>(O3) وجود باغ یک هکتاری فزانه و تمایل به تبدیل شدن آن به یک فضای عمومی (پرسشنامه)</p> <p>(O4) امکان شبکه سازی و اتصال عناصر شاخص محله (برداشت میدانی)</p> <p>(O5) قرار گرفتن دو کاربری مذهبی در ابتدا و انتهای یک محور و امکان ایجاد محور فرهنگی-مذهبی (برداشت میدانی)</p> <p>(O6) پیشنهاد طرح بازنگری تفصیلی برای این محله وجود نقش کانون ناحیه ای است (مطالعات اسنادی)</p> <p>(O7) پیش بینی معبر ۱۶ متری در عرض محله در طرح های فرادست (مطالعات اسنادی)</p> <p>(O8) امکان شکل گیری خدمات محله ای در مرکز هندسی محدوده محله کوشک (برداشت میدانی)</p>	<p>(W1) تعریف نشدن سلسله مراتب دسترسی (برداشت میدانی)</p> <p>(W2) بزرگانی ۸۱.۷٪ قطعات</p> <p>(W3) نفوذ ناپذیری معابر ۴۶٪ زیر ۶ متر)</p> <p>(W4) ناپایداری ابنیه (۸۶٪)</p> <p>(W5) عدم هماهنگی در خدمات رسانی و مورفولوژی محله و ضعف در خدمات محلی. (برداشت میدانی)</p> <p>(W6) غلبه توده بر فضا (کمبود سرانه فضای سبز عمومی ( سرانه موجود = ۰) (برداشت میدانی)</p> <p>(W7) کمبود بازارچه خرید مجتمع در این محدوده، علی رغم تراکم بالا (برداشت میدانی)</p> <p>(W8) عدم تناسب ظرفیت معابر با حجم عبوری خصوصاً خیابان قانی (برداشت میدانی)</p>	<p>(S1) قرار گیری محدوده مورد مطالعه در ناحیه مرکزی و در جوار بافت تاریخی شهر شیراز (مطالعات اسنادی)</p> <p>(S2) وجود فضای سبز جهت غلبه فضا به توده (برداشت میدانی)</p> <p>(S3) قرارگیری محدوده در مجاورت گره ارتباطی-عملکردی دروازه کارزون و مجتمع تفریحی گردشگری مشیریه (برداشت میدانی)</p> <p>(S4) تسهیل مداخله در بافت به دلیل وجود درصد بالای ساختمان های یک طبقه و دو طبقه (مطالعات اسنادی)</p> <p>(S5) وجود ساختمان های شاخص در محله (برداشت میدانی)</p> <p>(S6) وجود زمین بایر در سطح محله (برداشت میدانی)</p>	<p>بر اساس مولفه فرم (ارتباط بین فضاها و ویژگی های کالبدی):</p>
<p>(T8) به دست فراموشی سپرده شدن ارزش ها و هویت محله (پرسشنامه)</p> <p>(T9) عدم دلچسپی به مکان در نسل جوان (پرسشنامه)</p> <p>(T10) احساس امنیت پایین (۳۳ درصدی) ساکنین در محله (پرسشنامه)</p>	<p>(O9) نقش اجتماعی قوی مساجد در محله و امکان تقویت هرم قدرت اجتماعی با محوریت مساجد. (پرسشنامه)</p> <p>(O10) امکان بهره گیری از جنبه های هویتی محدوده و تقویت حس تعلق محدوده (برداشت میدانی)</p> <p>(O11) تمایل ساکنین برای شکل گیری فضاهایی در محله برای جمع شدن و گپ زدن (پرسشنامه)</p> <p>(O12) وجود تمایل جهت شرکت در کارگاه های آموزشی و مشارکتی بازآفرینی فرهنگ مینا (پرسشنامه)</p> <p>(O13) وجود تمایل زیاد ساکنین جهت ایجاد فضاهای سبز (پرسشنامه)</p> <p>(O14) استقبال ساکنین جهت تعریف دروازه های ورودی در محله (پرسشنامه)</p>	<p>(W9) فراموش شدن کلیت ساختاری محله تحت عنوان کوشک عباسعلی در اذهان مردم (پرسشنامه)</p> <p>(W10) از بین رفتن ماهیت برخی از کوچه های محلی و تبدیل آن به گذر عبوری خودروها (پرسشنامه)</p> <p>(W11) کاهش حس تعلق به محله (پرسشنامه)</p> <p>(W12) وجود آسیب های اجتماعی از قبیل اعتیاد و دعوای خیابانی (برداشت میدانی)</p> <p>(W13) اعتماد به نفس نسبتاً پایین در محله (پرسشنامه)</p> <p>(W14) نارضایتی از مشخص و متمایز نبودن مرز محله (پرسشنامه)</p>	<p>(S7) هویت مند بودن محله به دلیل قدمت شکل گیری محله کوشک عباسعلی (مطالعات اسنادی)</p> <p>(S8) سابقه بالای سکونت در محله (پرسشنامه)</p> <p>(S9) دلچسپی به مکان در سنین میانسال و بالاتر (پرسشنامه)</p> <p>(S10) احساس امنیت نسبتاً خوب (۶۷ درصد ساکنین) (پرسشنامه)</p> <p>(S11) وجود تصویر ذهنی قوی ساکنین از محله و عدم تمایل به تغییر ساختار اصلی محدوده (پرسشنامه)</p>	<p>مولفه معنا (حس مکان، تاریخی و فرهنگی-اجتماعی):</p>

<p>(T11) تمایل کم برخی از ساکنین جهت مشارکت در بازآفرینی در محله (۴۶ درصد) (پرسشنامه)</p> <p>(T12) تهدید تبدیل به محله ای نا امن به دلیل ریزدانی و نفوذ ناپذیری بافت (پروداشت میدانی)</p> <p>(T13) ریزدانی بافت و مشکل در به تفاهم رسیدن با مالکان متعدد (مصاحبه)</p> <p>(T14) تهدید نقش سکونتی محدوده توسط نقش پررنگ فعالیت های اقتصادی و ناسازگاری برخی از کاربریها (کاربری های کارگاهی و صنعتی و انبار در جوار کاربری مسکونی) (پروداشت میدانی)</p> <p>(T15) در دسترس نبودن فضاهای کاری کم هزینه برای تولید کنندگان فرهنگی (پروداشت میدانی)</p> <p>(T16) بی اعتمادی برخی از ساکنان به اقدامات شهرداری (پرسشنامه)</p>	<p>(O15) گرایش برای احیای اقتصادی واجتماعی محله از طریق مدیران و مسئولان شهری (مصاحبه/ مطالعات اسنادی)</p> <p>(O16) انگیزه بالای سرمایه گذاران برای مشارکت در نوسازی بدلیل پتانسیل بالای قیمت زمین (مصاحبه)</p> <p>(O17) تمایل زیاد ساکنین به افزایش مهارت با استفاده از دوره های آموزشی و فرهنگی (پرسشنامه)</p> <p>(O18) امکان ایجاد اشتغال با استفاده از صنایع دستی و توانایی های ساکنین محله (پرسشنامه)</p> <p>(O19) وجود پاتوق های متعدد در سطح محله (پروداشت میدانی)</p> <p>(O20) استقبال بالای ساکنین در همکاری در ایجاد رویداد ها و فعالیت های فرهنگی (پرسشنامه)</p>	<p>(W15) تداخل بیش از حد کار و فعالیت با بافت های مسکونی در این حوزه (پروداشت میدانی)</p> <p>(W16) انسجام اجتماعی پایین محله و ضعف در همکاری و همیاری اشتغال محلی (پرسشنامه)</p> <p>(W17) کمبود سرانه آموزشی محلی (سرانه موجود ۰.۰۰۵، ورزشی (سرانه موجود ۰.۰۰۱) فرهنگی (سرانه موجود ۰.۰۰۱) مذهبی (سرانه موجود ۰.۰۰۵۵) و درمانی (سرانه موجود ۰.۰۰۲) (پروداشت میدانی)</p> <p>(W18) تعریف نشدن یک مرکز محله با کاربری های مشخص محله ای جهت گردهمایی (پروداشت میدانی)</p> <p>(W19) وجود تعداد کم افراد قدیمی و معتمد در محله (پرسشنامه)</p> <p>(W20) ناتوانی اقتصادی مردم (پرسشنامه)</p> <p>(W21) وجود افراد بازنشسته و بدسرپرست در محدوده (پرسشنامه)</p> <p>(W22) نبود میدانهای فعالیت و فضاهای همگانی در سطح محله جهت ساماندهی پاتوق ها (پروداشت میدانی)</p>	<p>(S12) وجود مساجد و حسینیه ها به عنوان پایگاهی برای فعالیت های اجتماعی در سطح محله و پوشش مفید شعاع عملکردی آنها (پروداشت میدانی)</p> <p>(S13) تمایل به مشارکت در بازآفرینی فرهنگ مینا در محله (۵۴ درصد) (پرسشنامه)</p> <p>(S14) وجود استعداد های صنایع دستی در بانوان (پرسشنامه)</p> <p>(S15) وجود توانایی های ورزشی در ساکنین محله (پرسشنامه)</p> <p>(S16) وجود پایگاه های بسیج در محدوده و توان آن ها برای برگزاری برخی مراسم ها در محدوده (پروداشت میدانی)</p> <p>(S17) شکل گیری پاتوق های مختلف در برخی از نقاط محله (پروداشت میدانی)</p> <p>(S18) وجود جمعیت ۳۳٪ جوان در محدوده (مطالعات اسنادی)</p> <p>(S19) وجود پهنه هایی از کاربری های آموزشی مانند مدارس و آموزشگاه ها در مجاورت بافت و پوشش شعاع عملکردی آنها (پروداشت میدانی)</p> <p>(S20) وجود راسته های فعالیتی در محدوده مورد مطالعه (پروداشت میدانی)</p>
--	---	--	---

۲،۵ است، در این صورت موقعیت منطقه مورد مطالعه در ناحیه اول تحت عنوان راهبردهای تهاجمی (SO) انتخاب خواهد شد. تعیین راهبرد تهاجمی در این محدوده به این معنی است که با استفاده از توانمندی های موجود، حداکثر استفاده از فرصت ها جهت موفقیت رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا، برده می شود.

با توجه به اینکه ماتریس ارزیابی عوامل داخلی بر روی محور X ها در بازه ۱ تا ۴ و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی بر روی محور Y ها در بازه ۱ تا ۴ و عدد ۲،۵ به عنوان مرز چهار ناحیه راهبردی شامل: ناحیه اول SO، ناحیه دوم ST، ناحیه سوم WO، و ناحیه چهارم WT است، بنابراین نمره عوامل داخلی و خارجی بزرگتر از

جدول شماره ۳. نحوه محاسبه ضریب اهمیت (ضریب نرمال شده) عوامل داخلی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

عوامل داخلی	عوامل داخلی در امتیاز پنج بندی طیف لیکرت (Si)					تعداد پاسخدهندگان پرسشنامه	Rij = Σ Si Fi	Yij = Rij / Σ Rij
	۱	۲	۳	۴	۵			
S1	۲	۵	۸	۳۹	۵۱	۱۰۵	۴۴۷	۰،۰۲۹
S2	۰	۰	۰	۱۹	۸۶	۱۰۵	۵۰۶	۰،۰۳۳
S20	۳۲	۳۰	۲۲	۱۱	۱۰	۱۰۵	۲۵۲	۰،۰۱۶
W1	۶	۲۳	۴۱	۱۸	۱۷	۱۰۵	۳۳۲	۰،۰۲۲
W2	۰	۰	۳	۲۶	۷۶	۱۰۵	۴۹۳	۰،۰۳۲
W22	۰	۲	۱۰	۲۰	۷۳	۱۰۵	۴۷۹	۰،۰۳۱
							۱۵۳۸۳	۱،۰۰۰

جدول ۴. چارچوب ارزیابی عوامل داخلی (IFE) (نگارندگان، ۱۴۰۰) جدول ۵. چارچوب ارزیابی عوامل خارجی (EFE) (نگارندگان،

عوامل خارجی	امتیاز پرمشامه	ضریب اهمیت	رتبه	امتیاز وزنی
O1	317	0.25	2	0.051
O2	327	0.26	4	0.105
O3	447	0.26	4	0.144
O4	421	0.24	4	0.125
O5	392	0.31	4	0.126
O6	472	0.28	2	0.076
O7	330	0.27	3	0.080
O8	217	0.17	3	0.052
O9	454	0.26	4	0.146
O10	477	0.28	2	0.115
O11	367	0.29	3	0.088
O12	221	0.19	3	0.056
O13	252	0.20	4	0.081
O14	380	0.31	2	0.092
O15	317	0.25	2	0.051
O16	327	0.26	3	0.079
O17	283	0.23	4	0.091
O18	413	0.23	2	0.100
O19	382	0.31	4	0.126
O20	472	0.28	4	0.152
T1	330	0.27	1	0.027
T2	217	0.17	2	0.025
T3	422	0.24	2	0.068
T4	472	0.28	2	0.114
T5	330	0.27	3	0.052
T6	217	0.17	2	0.025
T7	252	0.26	3	0.109
T8	477	0.28	4	0.153
T9	246	0.20	3	0.059
T10	221	0.19	2	0.027
T11	252	0.20	4	0.081
T12	322	0.27	2	0.052
T13	317	0.25	3	0.076
T14	327	0.26	1	0.026
T15	283	0.23	4	0.091
T16	252	0.20	2	0.061
مجموع کل	12449	1.000		3.022

عوامل داخلی	امتیاز پرمشامه	ضریب اهمیت	رتبه	امتیاز وزنی
S1	447	0.29	4	0.116
S2	506	0.23	4	0.122
S3	282	0.18	3	0.055
S4	321	0.21	1	0.021
S5	226	0.15	3	0.029
S6	294	0.19	1	0.019
S7	322	0.22	4	0.043
S8	217	0.21	2	0.041
S9	227	0.21	1	0.021
S10	282	0.18	3	0.055
S11	412	0.27	4	0.107
S12	392	0.25	3	0.076
S13	472	0.26	3	0.092
S14	230	0.21	3	0.064
S15	217	0.16	2	0.022
S16	452	0.29	2	0.089
S17	477	0.26	3	0.092
S18	246	0.16	3	0.028
S19	221	0.15	1	0.015
S20	252	0.16	2	0.022
S21	322	0.22	2	0.043
S22	492	0.22	4	0.128
S23	481	0.26	4	0.125
S24	431	0.28	3	0.084
S25	412	0.27	3	0.081
S26	272	0.22	4	0.097
S27	472	0.26	2	0.061
S28	330	0.21	4	0.043
S29	250	0.19	4	0.117
S30	398	0.26	2	0.052
S31	477	0.26	2	0.064
S32	330	0.21	3	0.043
S33	217	0.16	3	0.042
S34	452	0.29	2	0.089
S35	477	0.26	2	0.062
S36	248	0.16	1	0.016
S37	221	0.15	2	0.020
S38	506	0.23	4	0.122
S39	322	0.22	1	0.022
S40	217	0.21	1	0.021
S41	227	0.21	1	0.021
S42	479	0.26	4	0.125
مجموع کل	15282	1.000		3.628

و تحلیل عوامل خارجی و داخلی جهت بازآفرینی فرهنگ مینا در محله کوشک عباسعلی، راهبرد های محله کوشک عباسعلی براساس مولفه های رویکرد باز آفرینی فرهنگ مینا، در جدول شماره ۶ نمایش داده شده است.

### ۳-۵- تدوین راهبردهای نوسازی محله کوشک عباسعلی

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول سوات

جدول ۶. راهبرد های باز آفرینی فرهنگ مینا در محله کوشک عباسعلی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

ضعف ها (W)	قوت ها (S)	فرم	فرصت ها (O)
ناحیه (۳): WO	ناحیه (۱): SO		
W1W3O3O4O6: تقویت ماهیت دسترسی محلی (ارتقا نفوذپذیری بصری و فیزیکی محله)	S1S3S5O4O5O6: ایجاد یکپارچگی فضایی و پیوند محله با بافت تاریخی و مرکز شهر جهت استقبال از پروژه های پیشگام فرهنگی	فرم	فرصت ها (O)
W9W10W14O9O10O13: تقویت نشانه های موجود در محله جهت ایجاد تصویر ذهنی مطلوب	S2S4S6O8: پیش بینی و مکانیابی مرکز محله		
W11W12W14O10O11O13O14: ارتقای حس تعلق ساکنین از طریق تقویت کالبد های خاطره انگیز و با هویت محله	S8S9S10O9O10O11O13: ایجاد انگیزه در ساکنین جهت حضور در محله با خلق فضاهای فرهنگی و اجتماعی و تفریحی	معد	فرصت ها (O)
	S9S10S11S11O11O12O13: بستر سازی جهت استفاده از خرد و سلیقه ساکنین در برنامه ریزی و طراحی		

محل	عملکرد	تهدیدها (T)
<p>محل: S14S15O15O17O18 استفاده از ظرفیت های موجود محل جهت ایجاد اشتغال محلی و توسعه آن S13S17S19O15O16: استفاده از بستر اجتماعی-اقتصادی محل جهت جذب سرمایه گذار</p>	عملکرد	
<p>ناحیه (۴): WT</p>	<p>ناحیه (۲): ST</p>	
<p>W5W6W7T6: طراحی محیطی مناسب و جذب افراد به فضا و ارتقاء دوام حضورشان جهت ارتقا نظارت انسانی و امنیت اجتماعی W2W3W4T1T5T7: کاهش ریزدانی و ناپایداری ابنیه با استفاده از تجمیع قطعات و با توجه به فرهنگ سکونتی ساکنین</p>	<p>S1S3S5T5T7: ساماندهی بصری جداره های فعال S1S2S3S5T2T3: استفاده از الگوی حمل و نقل مناسب در محله</p>	فرم
<p>W11W13W14T8T9: ارتقا عزت نفس ساکنین و آگاهسازی آنها از هویت مند بودن محله و قدمت شکل گیری محله کوشک عباسعلی W9W10W11T8T9T10: خلق تصویری قوی و تازه از محله کوشک عباسعلی به عنوان محله ای منسجم و فرهنگی</p>	<p>S7S11T8T9: ارتقاء اصالت محدوده از طریق حفظ ساختار اصلی محدوده و گسترش آن از طریق برنامه های فرهنگی جهت بازپس گیری ارزش ها و هویت کهن محله</p>	معنا
<p>W15W17T12T14: تقویت نقش سکونتی محله و ایجاد تعادل در سطوح کاربری مسکونی و خدمات شهری W5W6W7T2T3: ارتقا خدمات رسانی و مکان یابی کاربری های مورد نیاز محله در محل مناسب با توجه به سازگاری و همبستگی کاربری ها و شعاع عملکرد آن ها W18W22T12: تعریف الگو های متنوعی از ساعات فعالیتی جهت ارتقا پویایی و امنیت محله</p>	<p>S12S16S17T11T13T16: تشویق و ترغیب شکل های مختلف اجتماعی-محلی جهت ارتقای مشارکت در محله و افزایش اعتماد سازی S12S17S18T11T12T15: استفاده از برون گرا بودن ساکنان با ایجاد زمینه هایی جهت حضور در فضا و ارتقاء فعالیت های اجتماعی</p>	عملکرد

#### ۴-۵- اولویت بندی راهبردها با استفاده از

#### مدل QSPM

راهبردهای تدوین شده در جدول ۶ با استفاده از روش مذکور اولویت بندی شدند که ۱۰ راهبرد با اولویت نسبت به سایر راهبردها در جدول شماره ۷ نمایش داده شده است. اولویت بندی راهبردها، با استفاده از مدل QSPM صورت گرفته است، تا تصمیم گیری درباره راهبرد های انتخابی با استفاده از تجزیه و تحلیل علمی با توجه به ضریب اهمیت هر یک از عوامل داخلی و خارجی و قضاوت شهودی صورت گیرد. در این مرحله جذابیت هر راهبرد با استفاده از ماتریس برنامه ریزی کمی مشخص شده و راهبرد های دارای جذابیت بالا به عنوان راهبرد های مورد تاکید و اولویت دار در

برنامه ریزی تعیین می گردد.

با توجه به محاسبات انجام شده در جدول ۷، راهبرد های در اولویت محله به ترتیب بر طبق رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا و با اعمال نظرات ساکنین در اولویت بندی با استفاده از ضریب اهمیت عوامل داخلی و خارجی عبارتند از:

- ✓ ایجاد انگیزه در ساکنین جهت حضور در محله با خلق فضاهای فرهنگی و اجتماعی و تفریحی؛ با امتیاز ۶,۳۱
- ✓ استفاده از ظرفیت های موجود محله جهت ایجاد اشتغال محلی و توسعه آن؛ با امتیاز ۵,۹۸
- ✓ بستر سازی جهت استفاده از خرد و سلیقه ساکنین در برنامه ریزی و طراحی محله با امتیاز ۵,۷۸

محلّه فرسوده کوشک عباسعلی پرداخته است. بنابراین شناخت و تحلیل عوامل داخلی و خارجی با استفاده از جدول سوات انجام گرفته و با توجه به ضرایب تخصیص یافته (براساس امتیازات کسب شده از ساکنین محلّه) به عوامل داخلی و خارجی هر یک از متغیرهای تاثیر گذار در قالب ماتریس های ارزیابی، مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته اند. امتیاز نهایی ماتریس عوامل داخلی و خارجی نشان دهنده غلبه نقاط قوت بر نقاط ضعف و غلبه فرصت ها بر تهدید ها می باشد.

این امتیاز در ناحیه اول ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی تحت عنوان راهبردهای تهاجمی (SO) قرار گرفت. این بدین معنی است که با بهره جستن از نقاط قوت در صدد بهره برداری از فرصت برآییم. در مرحله بعد راهبردهای مورد نظر در ماتریس سوات تدوین شدند. سپس راهبرد ها با استفاده از ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی (QSPM) با توجه به ضریب اهمیت هر یک از عوامل داخلی و خارجی اولویت بندی شدند.

- ✓ ایجاد یکپارچگی فضایی و پیوند محلّه با بافت تاریخی و مرکز شهر جهت استقبال از پروژه های پیشگام فرهنگی؛ با امتیاز ۵,۵۹
- ✓ خلق تصویری قوی و تازه از محلّه کوشک عباسعلی به عنوان محلّه ای منسجم و فرهنگی؛ با امتیاز ۵,۵۴
- ✓ تقویت ماهیت دسترسی محلی (ارتقا نفوذ پذیری بصری و فیزیکی محلّه)؛ با امتیاز ۵,۴۸
- ✓ ارتقاء اصالت محدوده از طریق حفظ ساختار اصلی محدوده و گسترش آن از طریق برنامه های فرهنگی جهت بازپس گیری ارزش ها و هویت کهن محلّه؛ با امتیاز ۵,۳۸
- ✓ استفاده از بستر اجتماعی-اقتصادی محلّه جهت جذب سرمایه گذار؛ با امتیاز ۵,۲۷
- ✓ پیش بینی و مکانیابی مرکز محلّه؛ با امتیاز ۵,۰۸
- ✓ ارتقا خدمات رسانی و مکان یابی کاربری های مورد نیاز محلّه در محل مناسب با توجه به سازگاری و همبستگی کاربری ها و شعاع عملکرد آن ها؛ با امتیاز ۴,۹۸.

#### ۶- نتیجه گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر پس از بررسی مولفه های رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا، به اولویت بندی راهبردها در

جدول ۷. اولویت بندی راهبردهای محلّه کوشک عباسعلی با استفاده از ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی

(QSPM) (نگارندگان، ۱۴۰۰)







پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

راهبرد های بعد عملکردی در اولویت بالاتری قرار دارند. در حقیقت آنچه بازآفرینی فرهنگ مبنا را از رویکردهای پیشین متمایز می گرداند و آن را اصلی ترین رهیافت بازآفرینی شهری امروز قرار می دهد، استفاده ای است که از مفهوم فراگیر فرهنگ و رویداد های فرهنگی، به عنوان تسهیل کننده جریان بازآفرینی و عامل رونق اقتصادی و اجتماعی در قالب انواع فعالیت های مرتبط با فرهنگ و هنر صورت می گیرد. در همین حال به این اراده و آمادگی مشارکت در تغییر وضع موجود را پیدا می کنند؛ اما در مقابل این شرایط، اتفاقی که معمولاً به سادگی رخ نمی دهد، هدایت برنامه های عمومی به بافت و هماهنگی در اجرای برنامه ها بوسیله متولیان متعدد است. بنابراین می توان گفت گسترش اختیارات دفاتر تسهیل گری و خدمات نوسازی و ایجاد مرکز ارتباطات مردمی و تشکیل کارگاه های مشارکتی در کلیه جوانب بازآفرینی می تواند کیفیت و سرعت کار را دو چندان نماید.

طبق اولویت بندی راهبرد ها در این مطالعه می توان اذهان داشت، رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا در محله کوشک عباسعلی، از طریق بسترسازی، مقدمه سازی و استفاده مستمر از سلیقه و فرهنگ ساکنین و پیش بینی پروژه های پیشگام فرهنگی به موفقیت می انجامد. همچنین با توجه به امتیازات راهبردها، با اینکه راهبردهای هر یک از مولفه های بازآفرینی فرهنگ مبنا در ابعاد فرم، معنا و عملکرد، مکمل یکدیگر هستند ولی دلیل که رویکرد فرهنگی بر هویت و تداوم تاریخی یک مکان تاکید می ورزد، تاریخ محله سر فصل جدایی ناپذیر از این فرآیند بدل می شود. کاملاً مشهود است که، تحقق بازآفرینی فرهنگ مبنا در قالب تسهیل گرانه و با توجه به ابعاد و مسائل اساسی بافت های فرسوده و با استفاده از مشارکت جامعه محلی امکان تحقق دارد. ساکنان بافت های فرسوده به این دلیل که مسائل و مشکلات جاری را در طی سالیان طولانی درک کرده اند، معمولاً در یک فرآیند اعتمادسازی و مشاوره، انگیزه،

## 7-References

### Persian references

- Akbarpour, M., Azimi, S. (2018). The Role of Entrepreneurship in Rural Tourism Development (Agriculture), *Iranian Urbanism*, 1(1), 27-34.
- Andalib, A. (2013). Principles of urban renewal a new approach to worn-out structures. Second edition, Azarakhsh, Tehran.
- Azizi, M., Bahra, B. (2018). The Role of Flagship Developments in the Regeneration of Inner City Textures: The Case Study of Yazd City, Iran. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memory va ShahrSazi*, 22(4), 5-16.
- Bahreini, H., Izadi, M., Mofidi, M. (2014). The Approaches and Policies of Urban Renewal from "Urban Reconstruction" to "Sustainable Urban Regeneration". *Motaleat shahri*, 9 (3): 17-30.
- Fatahyan, S. A. (2016). Strategics of improving management of seismic crisis in region 20 of Tehran. *Disaster Prev. Manag. Know.* 6 (1) :71-77.
- Izadi, P., Hadiyani, Z., Hajinejad, A., Ghaderi, J. (2017). Explanation and presentation of a model of culture-led re-generation with emphasis on an institutional approach. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 9(2):163-187.
- Lotfi, S. (2011). Culture-led Regeneration: A Reflection upon Cultural Fundaments and the Act of Regeneration. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memory Va ShahrSazi*, 3(45), 49-62.
- Lotfi, S., Sholeh, M., Aliakbari, F. (2017). Compiling the Conceptual Framework of Culture-led Urban Regeneration Principles Application in Historic Urban Fabrics (Case Study: Shiraz, Iran). *Journal of Iranian Architecture & Urbanism*. 8(1): 229-245.

- Mofidi, M., ghasemsharifi, T. (2019). Culture-led Regeneration with an Emphasis on the Development of a Sustainable Local Society (Case Study: Historical texture of Qazvin Rah-e-Rey District). *Geography and Human Relationships*, 2(1), 268-301.
- Moradi, F., Saeideh Zarabadi, Z., Majedi, H. (2019). An Exploratory Study of Culture-led Urban Regeneration Principles with the Approach of Competitiveness Promotion. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 16(70), 5-16.
- Movahed, A., Goli, A., Izadi, P. (2013). Application of Urban Regeneration Approach in Marginal Sectors (Case Study: Saadi-Shiraz). *Human Geography Research*, 45(1), 105-122.
- Pazhooan, M. poormoghadam, Z. (2018). Urban Tourism Strategic Planning Using Culture-led Urban Regeneration Approach in Historical part (Case study: Old district of Rasht city). *Motaleat shahri*. 27(7), 53-66.
- Tahani A, dahmardeh pahlavan M, rezai rahimi M, Tahani H. (2019). Strategic urban development planning with emphasis on popular participation (Case study: Shahrreza worn texture). *mmi*. 9 (17): 53-62.
- Zarabi, A. Mahboubfar, M. (2014). Application of SWOT- QSPM Model in Codifying Tourism Development Strategy of the City of Kashan, Iran. *Journal of spatial planning*, 3(4): 37-58.
- Zarei,Hemmat; Rahmanian,Ahmad and Najafi Abdoreza. (2021). Conceptualization of spatial relations and analysis of spatial patterns of building permits in the service area of cities, *Iranian Urbanism*, 4 (7), 332-345.

#### Latin References:

- Guzman Molina, P. C., Pereira Roders, A., & Colenbrander, B. J. F. (2017). Measuring links between cultural heritage management and sustainable urban development: An overview of global monitoring tools. *Cities*, 60, 192-201.
- Sroda-Murawska, S. (2020). Railway feat. Culture-Rumia library effect as an example of the influence of culture-led regeneration in a medium-sized city in Poland. *Cities*, 106, 102875.
- Korkmaz, C., & Balaban, O. (2020). Sustainability of urban regeneration in Turkey: Assessing the performance of the North Ankara Urban Regeneration Project. *Habitat International*, 95, 102081.
- Lin, C. Y., & Hsing, W. C. (2009). Culture-led urban regeneration and community mobilisation: The case of the Taipei Bao-an temple area, Taiwan. *Urban Studies*, 46(7), 1317-1342.
- Hwang, K. H. (2014). Finding urban identity through culture-led urban regeneration. *Journal of Urban Management*, 3(1-2), 67-85.
- Chiu, Y. H., Lee, M. S., & Wang, J. W. (2019). Culture-led urban regeneration strategy: An evaluation of the management strategies and performance of urban regeneration stations in Taipei City. *Habitat International*, 86, 1-9.
- Li, X., Zhang, F., Hui, E. C. M., & Lang, W. (2020). Collaborative workshop and community participation: A new approach to urban regeneration in China. *Cities*, 102, 102743.
- Lysgard, H. K. (2016). The 'actually existing' cultural policy and culture-led strategies of rural places and small towns. *Journal of Rural Studies*, 44, 1-11.
- Neducin, D., Krklješ, M., & Gajić, Z. (2019). Post-socialist context of culture-led urban regeneration-Case study of a street in Novi Sad, Serbia. *Cities*, 85, 72-82.



#### نحوه ارجاع به این مقاله:

اژدری، دلبر. کتابچی، عماد. (۱۴۰۱). تحلیل کاربست رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا در بافت های فرسوده و نیازسنجی مشارکتی جهت اولویت بندی راهبردها با استفاده از الگوی تلفیقی SWOT-QSPM (مطالعه موردی: محله کوشک عباسعلی - شیراز)، شهرسازی ایران، ۵ (۸)، ۱۲۸-۱۴۹.

#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Iranian Urbanism Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

URL: <https://www.shahrsaziiran.com/1401-5-7-article9/>

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27170918.1401.5.8.9.7>